

**Sociological analysis of the discourse of
Imam Khomeini and Dr. Ali Shariati
with a discourse analysis approach**

HosseinAli Ghajari*

Amir Azimi Dolatabadi**

Abstract

Dr. Shariati is known as the ideologue of the Islamic Revolution and Imam Khomeini as the architect of the revolution and the founder of the Islamic Republic of Iran. Comparing the discourse of these two thinkers in order to discover the commonalities and differentiate them is of great theoretical and practical importance for the intellectual and political situation of the current Iranian society. Given the importance of the discourse of these two contemporary thinkers, this article has been written with the aim of answering the question "What are the similarities and differences between the discourse of Imam Khomeini and Dr. Ali Shariati based on the discourse analysis approach?". The conceptual framework of this paper is based on Laclau and Mouffe's theory of meaning and its method is discourse analysis approach. Accordingly, the discourses of Imam Khomeini and Dr. Ali Shariati in categories and dimensions of giving meaning to the world, focal signifier, master signifier (identity), empty signifier, discourse minutes, political myth, subjects, positive and negative subjects according to logic Currency, distinction, and subject positions are compared. The findings of this study show that the political myth of Imam Khomeini's discourse is the denial of the status quo, the denial of the monarchy, the denial of the separation of religion from politics and government, and the denial of the apolitical nature of seminaries and

* Professor Assistant Department of Sociology, Payame Noor University (Corresponding Author),
h_ghajari@yahoo.com

** Assistant Professor, Sociology Department Imam Khomeini Research Center and Islamic Revolution,
aazimii@yahoo.com

Date received: 25.07.2020, Date of acceptance: 15.01.2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

clerics and the necessity of forming an Islamic government. The myth of Dr. Ali Shariati's discourse is the rejection of existing myths (material and religious) and the introduction of Islamic democracy (guided) as a myth and a desirable political government for Iranian society.

Keywords: Imam Khomeini, Dr. Shariati, discourse, discourse analysis, myth and master signifier.

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان امام خمینی و دکتر علی شریعتی

با رویکرد تحلیل گفتمان

حسینعلی قجری*

امیر عظیمی دولت آبادی**

چکیده

دکتر شریعتی به عنوان ایدئولوگ انقلاب اسلامی و امام خمینی به عنوان معمار انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود. مقایسه گفتمان این دو متفکر در راستای کشف وجوه اشتراک و افتراق آنها اهمیت نظری و عملی فراوانی برای وضعیت فکری و سیاسی جامعه کنونی ایران دارد. با توجه به اهمیت گفتمان این دو متفکر معاصر، این مقاله با هدف پاسخ به این سوال: "بر اساس رویکرد جامعه‌شناختی و تحلیل گفتمان، شباهتها و تفاوت‌های گفتمان امام خمینی و دکتر علی شریعتی چیست؟" به نگارش در آمده‌است. چارچوب مفهومی این مقاله مبتنی بر نظریه معنای لاکلاو و موفه می‌باشد و روش آن رویکرد تحلیل گفتمان است. بر این اساس، گفتمان‌های امام خمینی و دکتر علی شریعتی در مقوله‌ها با چهارچوب تحلیل گفتمان در ابعاد معنادهی به جهان، دال کانونی، دال برتر (هویت)، دال تهی، دقایق گفتمانی، اسطوره، سوژه‌ها، سوژه‌های مثبت و منفی با توجه به منطق هم‌ارزی و تمایز و موقعیت‌های سوژه‌ای با همدیگر مقایسه شده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اسطوره گفتمان امام خمینی نفی وضع موجود، نفی نظام‌سلطنتی، نفی جدایی دین از سیاست و حکومت و نفی غیرسیاسی بودن حوزه‌ها و روحانیون و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی است. اسطوره گفتمان دکتر علی

* استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، h_ghajari@yahoo.com

** استادیار گروه جامعه‌شناسی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، aazimii@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۶

شریعتی، نفی اسطوره‌های موجود (مادی و مذهبی) و معرفی دموکراسی اسلامی (هدایت شده) به عنوان اسطوره و حکومت سیاسی مطلوب برای جامعه ایران است.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، دکتر شریعتی، گفتمان، تحلیل گفتمان، اسطوره و دال برتر.

۱. مقدمه

انقلاب اسلامی ایران یکی از پدیده‌های بسیار تأثیر گذار دوران معاصر بوده است. این انقلاب، یکی از رویدادهای مهمی است که ذهن بسیاری از اندیشمندان و علمای علوم اجتماعی را به خود مشغول نموده است. برخلاف باور طیف گسترده‌ای از جامعه‌شناسان که معتقد بودند در دنیای مدرن دین رو به افول است از اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی به بعد موجی از اسلام‌گرایی، جهان اسلام - از جمله خاورمیانه، مصر، لیبی، الجزایر و غیره - را فراگرفت. یکی از مهمترین این اسلام‌گرایی‌ها، تکوین و ظهور گفتمان امام خمینی است که با استفاده‌ی خاص از اصول و مبانی با توجه خاص به مقتضیات زمان و مکان و اخذ عناصری از سایر گفتمان‌های رایج در ایران تکوین یافت و توانست با مغلوب نمودن گفتمان مسلط و به حاشیه‌راندن گفتمان‌های دیگر همانند اسلام سنتی، سوسیالیسم، سلطنت مشروطه و ... در آستانه‌ی انقلاب ۱۳۵۷ در ایران هژمونیک شود و به گفتمان حاکم و مسلط تبدیل شود. علاوه بر گفتمان امام خمینی در دهه‌های قبل از انقلاب گفتمانهای متعددی در نظم گفتمانی آن دوران حضور داشتند. یکی از این گفتمانهای مهم، گفتمان دکتر علی شریعتی است که با کمی تسامح می‌توانیم آن را بر اساس اسطوره اش دموکراسی هدایت شده بنامیم. بدون شک رهبری امام خمینی و گفتمان ایشان مهمترین گفتمان موجود بود که توانست هژمونیک شود. شناخت گفتمان امام خمینی جهت فهم و درک انقلاب یک ضرورت است. برای فهم و درک گفتمان امام خمینی از نظریه‌ها، روش‌ها و شیوه‌های متعددی استفاده شده است. یکی از بهترین شیوه‌های فهم گفتمان امام خمینی مقایسه آن با سایر گفتمانهای مهم در نظم گفتمانی دهه‌های قبل از انقلاب است. همانگونه که گفته شد یکی از مهمترین این گفتمانها گفتمان دکتر علی شریعتی است. این گفتمان ماحصل تلاقی گفتمان‌های متعددی چون سوسیالیسم، گفتمان علمی (جامعه‌شناسی) و تفسیری انقلابی و رادیکال از اسلام است

شریعتی با ایراد سخنرانی‌ها و نوشتن متون متعدد سعی دارد با شعار بازگشت به اسلام اصیل یا علوی، اسلام سنتی و صفوی را با کمک نظریه مارکسیسم و سایر نظریه‌های جامعه‌شناسی به چالش بکشد و تفسیری انقلابی و مبارز از اسلام ارائه دهد. دگرگونی‌های جامعه‌ای ایرانی دهه ۵۰ و ۶۰ نشان داد که گفتمان ایدئولوژیک شریعتی، نسبت به سایر گفتمان‌های روشنفکری از استعداد افزون‌تر و شگرف‌تری برای تعریف و بازتعریف و نیز تثبیت مفاهیم و دال‌های شناور برخوردار است و دقیقاً به همین سبب نهایتاً آن تسابق عظیم روشنفکری را بر سر تسخیر این مفاهیم به نفع خود رقم زد و بعد مذهبی - ایدئولوژیک را در حیات سیاسی جامعه، به گونه‌ای وارد کرد که این حیات سیاسی همچون گذشته مانعی در برابر مذهب نباشد، بلکه مأوا و محرک آن گردد.

علاوه بر آنچه گفته شد، در این میان در عرصه روش‌شناسی، یکی از رویکردهایی که یکی دو دهه‌ی اخیر به دلیل داشتن ماهیت بین‌رشته‌ای و نقدهای متعدد نسبت به رویکردهای موجود در مطالعه‌ی پدیده‌های اجتماعی، رشد گسترده‌ای داشته و در حوزه‌ی جامعه‌شناسی رسوخ روزافزونی پیدا کرده اس - ولی هنوز جایگاه مناسب خود را در کشور ما پیدا نکرده است - تحلیل گفتمان (discourse analysis) می‌باشد. تحلیل گفتمان که برآمده از انتقادات وارده به سایر رویکردهاست از توان خاصی برای توصیف و مقایسه گفتمان‌های مختلف برخوردار است.

با توجه به اهمیت گفتمان امام خمینی و گفتمان دکتر علی شریعتی این مقاله در تلاش است با استفاده از روش تحلیل گفتمان بعنوان یک روش مفید برای مطالعه‌ی اندیشه‌ها و گفتمانها بویژه از طریق بررسی متون گفتاری و نوشتاری اصیل و دست اول، به مقایسه جامعه‌شناختی، علمی و روشمند این دو گفتمان بپردازد.

۱.۱ سوال تحقیق

در راستای اهداف مقاله و با توجه به آنچه در طرح مسأله ذکر آن رفت مقاله حاضر در تلاش است تا به سوال اصلی زیر پاسخ دهد:
"بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان، شباهتها و تفاوت‌های گفتمان امام خمینی و دکتر علی شریعتی کدام است؟"

۲. پیشینه تحقیق

آثار موجود در خصوص امام خمینی و دکتر شریعتی تا اکنون عمدتاً به مقایسه نقش آنها در انقلاب اسلامی اختصاص داشته است. جستجوی ساده در پایگاههای علمی نشان می دهد که آثار فارسی زبان و انگلیسی زبان در این زمینه فراوانند. علاوه بر این، برخی آثار نیز اندیشه این دو متفکر را از ابعاد مختلف و بر حسب مقوله های سیاسی و اجتماعی مهم مورد مقایسه قرار داده اند. تعداد این آثار البته چندان زیاد نیست. مقاله شاهرخ اخوی با عنوان «اسلام، سیاست و جامعه در اندیشه آیت الله خمینی، آیت الله طالقانی و علی شریعتی»، کتاب «بازگشت به خود؛ پیشروی یا گریز (مطالعه تطبیقی بازگشت به خویشتن در نگاه امام خمینی و دکتر علی شریعتی)» و پایان نامه های «بازشناسی مؤلفه های هویت ایرانی-اسلامی در آراء علی شریعتی، مهدی بازرگان و امام خمینی»، «بررسی کارکردهای اجتماعی دین در اندیشه امام خمینی و دکتر علی شریعتی» و «بررسی دیدگاههای امام خمینی و دکتر شریعتی درباره نابرابری اجتماعی» در زمره این آثار محسوب می شوند.

اما در این میان آثاری که اندیشه و یا دیدگاه امام خمینی و دکتر علی شریعتی را مورد بررسی مقایسه ای یا تطبیقی قرار داده اند، بسیار محدوداند. پایان نامه «بررسی تطبیقی اندیشه سیاسی دکتر شریعتی و امام خمینی» که در سال ۹۷ در دانشگاه ایلام از آن دفاع شده است، تنها اثر مهمی است که در این حوزه وجود دارد. این پایان نامه با روش تحلیل محتوا، تفاوتها و شباهتهای اندیشه سیاسی امام خمینی و دکتر شریعتی را مورد بررسی قرار داده است. مقاله حاضر که با رویکرد نظری و روشی تحلیل گفتمان انجام شده است تفاوت آشکاری با منابع موجود دارد و تلاش کرده است تا با کاربردی این رویکرد، پرتوی جدیدی بر این موضوع مهم بیفکند.

۳. چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی این مقاله نظریه معنای لاکلاو و موفه است. لاکلاو و موفه نظریه ای گفتمان خود را بر مبنای جریانهای نظری و فلسفی مختلفی چون واسازی دریدا، تبارشناسی و دیرینه شناسی فوکو، روان کاوی لاکان، پدیده شناسی هوسرل و هایدگر، پراگماتیسم رورتی، زبان شناسی و نشانه شناسی مدرن، رهیافت فراتحلیلی ویتگنشتاین و هژمونی گرامشی بنا نهاده اند (لاکلاو و موفه ۱۹۸۵).

لاکلاو و موفه بحث خود در باره گفتمان را با نقد فوکو آغاز می‌کنند. به نظر آنها تمایز فوکو میان نهادهای گفتمانی و غیر گفتمانی متناقض و غیر قابل دفاع است. به عقیده آنها اگر گفتمان تأسیس کننده ابژه‌هاست، پس هر ابژه‌ای در گفتمان و بوسیله آن تشکیل می‌شود و تمایز میان عناصر گفتمانی و غیرگفتمانی یا بی‌معنی است یا نوعی تمایزگذاری است که تنها می‌تواند درون گفتمان ایجاد شده باشد. اما این بدین معنا نیست که آنها بدین وسیله هر چیزی را به زبانی، که صرفاً به عنوان کلمات درک شده، تنزل دهند (نش، ۱۳۸۰).

لاکلاو و موفه نظریه‌یشان را با ترکیب و تغییر دو سنت نظری عمده یعنی مارکسیسم و ساختارگرایی بنا نموده‌اند. مارکسیسم نقطه شروعی برای تفکر در باره اجتماع و ساختارگرایی یک نظریه معنا را ارائه می‌دهد. لاکلاو و موفه این سنتها را در درون یک نظریه‌ی پسا ساختارگرایی که در آن تمامی عرصه اجتماعی به مثابه شبکه‌ای از فرایندهایی که درون آنها معنا ساخته می‌شود ترکیب می‌کنند.

۴. نظریه معنا

نظریه معنای لاکلاو و موفه که مبتنی بر ساختارگرایی است ابزار مناسبی را برای توصیف گفتمان و اجزای تشکیل دهنده آن فراهم می‌کند. لاکلاو و موفه برای توصیف هر گفتمان، از مفاهیم زیر استفاده می‌کنند: نقاط کانونی (nodal point)، انجماد (closure)، دقیقه (moment)، عنصر (element)، مفصل بندی (articulation)، دال شناور (floating signifier)، دال تهی (Empty signifier)، دال برتر (Master signifier)، موقعیت سوژه ای (Subject position) و هویت. در زیر ابتدا مفاهیم فوق تعریف و سپس ارتباط آنها با همدیگر، توضیح داده خواهد شد:

نقاط کانونی: به نظر لاکلاو و موفه یک گفتمان با تثبیت نسبی معنا حول نقاط کانونی شکل می‌گیرد (لاکلاو و موفه، ۱۹۸۵: ۱۱۲). نقطه کانونی یک نشانه‌ی ممتاز است که نشانه‌های دیگر اطراف آن مرتب شده‌اند؛ نشانه‌های دیگر معنایشان را از ارتباط با نقطه کانونی بدست می‌آورند. بعنوان نمونه، "بدن" یک نقطه کانونی است که حول آن خیلی معانی دیگر متبلور می‌شوند. نشانه‌هایی از قبل علایم بیماری، بافت و جراحی معانی‌یشان را در رابطه با بدن به شیوه فرهنگی خاصی بدست می‌آورند. یکی از نقاط کانونی در گفتمانهای سیاسی "دموکراسی" و در گفتمانهای ملی "مردم" است.

عناصر: عناصر نشانه‌هایی هستند که معنایشان هنوز تثبیت نشده‌است، یا به عبارت دیگر نشانه‌هایی هستند که معانی چندگانه‌ای دارند.

دقایق: عناصری هستند که معنایشان در درون گفتمان و توسط مفصل بندی گفتمان تثبیت شده است با استفاده از مفهوم عنصر و دقیقه می‌توان گفت که گفتمان تلاش می‌کند تا بوسیله کاهش چند معنایی به یک معنی کاملاً تثبیت شده "عناصر" را به "دقیقه‌ها" تبدیل کند. به اصطلاح لاکلاو و موفه گفتمان یک انجماد، یعنی توقف موقتی برای سیالیت معنای نشانه‌ها ایجاد می‌کند. اما این انجماد هرگز قطعی نیست به عبارت دیگر گذر از عناصر به دقیقه‌ها هرگز تکمیل نمی‌شود (همان ۱۱۰).

در نظر لاکلاو و موفه "بدن" مادامیکه چندین شیوه رقیب برای فهم آن وجود دارد یک عنصر است. در گفتمان غالب پزشکی غرب، بدن با تعریف شدن به شیوه ای روشن و بدون ابهام می‌تواند به یک دقیقه تبدیل کند و در یک گفتمان جایگزین نیز بدن می‌تواند بطور همزمان و به شیوه‌ای مختلف از گفتمان پزشکی و بدون ابهام تعریف شود.

مفصل بندی: بنظر لاکلاو و موفه، یک کلمه خودش نمی‌گوید که چگونه باید در ارتباط با دیگر نشانه‌ها برای معنی دار شدن قرار داده شود بلکه این کار توسط مفصل بندی انجام می‌شود. لاکلاو و موفه مفصل بندی را به هر عملی که بین عناصر رابطه برقرار می‌کند، بطوریکه هویت عناصر تغییر داده شود، تعریف می‌کنند. (یورگنسن و فیلیپس ۲۰۰۲: ۲۸).

دالهای شناور: نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه برای عناصری که پذیرای توصیفهای مختلف هستند از اصطلاح دالهای شناور استفاده می‌کند. دالهای شناور نشانه‌هایی هستند که گفتمانها مختلف برای معنا دادن به آنها به شیوه‌ی خودشان با همدیگر مبارزه می‌کنند. نقاط کانونی، دالهای شناور هستند. (همان ۲۹-۲۸).

دال تهی: لاکلاو مفهوم ساختار بندی گفتمانی را با معرفی مفهوم دال تهی بسط داده است. در نظریه گفتمان، عرصه اجتماعی هرگز بسته نیست و کردارهای سیاسی سعی می‌کنند تا این عدم انجماد را رفع کنند. اگر چه تمامیت و کلیت اجتماعی هرگز غیر قابل دسترس است، ضرورتش را هرگز نمی‌توان نادیده گرفت حتی اگر انجماد کامل در هیچ جای جامعه قابل تحقق نباشد. ایده انجماد و تمامیت هنوز به عنوان یک آرمان کاربرد دارد. آنچه که برای ظهور و کارکرد این آرمان ضروری است دال تهی می‌باشد. (دیوید هوراث و یانیس استاوراکاکیس ۲۰۰۰: ۹-۷).

بنابراین مفصل بندی یک گفتمان سیاسی می تواند حول یک دال تهی که بعنوان یک نقطه کانونی عمل می کند اتفاق بیفتد. بعبارت دیگر در این حالت تهی بودن نقطه کانونی بعنوان کیفیت ذاتی اش شرط مهمی برای امکان موفقیت هژمونیک شدنش است. اگر چه لاکلاو از مثال نظم استفاده می کند او می گوید دالها دیگر می توانند به شیوه ی مشابهی عمل کنند. او بیان می کند که هر مفهوم که در یک بافت اجتماعی خاص دال عدم وجود چیزی می شود همان نقش را بازی می کند.

موقعیت سوژه‌ای: بنظر لاکلاو و موفه گفتمانها موقعیتهایی را برای مردم طراحی می کنند که مردم آنها را بعنوان سوژه اشغال کنند. (یورگنسن و فیلیپس ۲۰۰۲: ۶۱).

دال برتر: نظریه گفتمان لاکلاو و موفه در مورد سوژه متأثر از لاکان نیز هستند. لاکان از دالهای برتر (master signifier) صحبت می کند که به زبان لاکلاو و موفه می توانیم آنها را نقاط کانونی هویت بنامیم "مرد" یک نمونه برای دال برتر است و گفتمانها مختلف محتواهای متعددی برای پرنمودن این دال ارایه می دهند. این کار بواسطه پیوند دادن دالها در زنجیره هم ارزی که هویت را به شیوه رابطه‌ای شکل می دهد اتفاق می افتاد (لاکلاو و موفه ۱۹۸۵: ۱۲).

هویت: نظریه گفتمان راهی را که کردارهای اجتماعی بطور نظام مند هویت سوژه‌ها و ابژه‌ها را با مفصل بندی مجموعه ای از عناصر دلالتگر امکانی و قابل دسترس در یک قلمرو گفتمانی شکل می دهند مورد بررسی قرار می دهد. نظریه گفتمان بر امکانی بودن همه‌ی هویت‌های اجتماعی تأکید دارد، ولی با این وجود تأکید می کند که تثبیت جزئی ممکن و ضروری است. لاکلاو و موفه بیان می کنند که هویت توسط مفصل بندی یا مفصل بندی مجدد عناصر دلالتگر آشکار می شود. از اینرو، آنها مفصل بندی را بعنوان هر اقدام برقرار کننده رابطه بین عناصر، بگونه‌ای که هویتشان ناشی از عمل مفصل بندی باشد تعریف می کنند (دیوید هوارث و یانیس استاوراکاکیس ۲۰۰: ۷).

ما اکنون می توانیم همه اصطلاحات را به یک دیگر مرتبط کنیم. بر اساس نظریه لاکلاو و موفه گفتمان مجموعه‌ای از دالها است که حول یک یا چند نقطه کانونی، دال برتر یا دال تهی مفصل بندی میشوند. عمل مفصل بندی باعث می شود که به دالها و سوژه‌ها معانی، هویتها و موقعیتهای خاصی تخصیص داده شود. تخصیص موقعیت، معنا و هویت خاصی باعث طرد سایر معانی، هویتها و موقعیتهای می شود. این معانی، موقعیتهای و هویت‌های طرد شده وارد قلمرو گفتمانی می شوند و به عنوان رقیب مفصل بندی حاضر امکان دارد زمانی

به مفصل بندی غالب تبدیل شوند. بنظر لاکلاو موفه در تضاد و مجادله بین گفتمانها، همیشه دالهایی وجود دارد که بر سر معنای آنها مجادله وجود دارد که در نزد آنها این دالها دالهای شناور نامیده می شوند.

آنگونه که لاکلاو و موفه می گویند، هدف گفتمان با تبدیل "عناصر" به "دقیقه ها" بوسیله انجماد زدودن ابهام است. اما این هدف هرگز بطور کامل موفقیت آمیز نیست، چرا که امکانهای معنایی ای که گفتمان جایگزین قلمرو گفتمانیت می کند همیشه در معرض تهدید و بی ثباتی معنا هستند. در نتیجه همه دقیقه ها بالقوه چند معنایی هستند و این بدین معناست که "دقیقه ها" بالقوه "عناصر" هستند. همیشه مفصل بندی خاصی گفتمانهای موجود را بوسیله تثبیت معنا به شیوهی خاص خودش بازتولید یا به چالش می طلبد و بدلیل چند معنایی بالقوه همیشگی، هر عبارت کتبی یا شفاهی (حتی هر کنش اجتماعی) یک مفصل بندی یا ابداع است، اگر چه عبارت از تثبیتهای قبلی معنی استفاده نموده یعنی آن عبارت از گفتمانی که در آن نشانه ها به دقیقه ها تبدیل شده گرفته می شود، عبارت مذکور صرفاً تکرار چیزی که از پیش موجود بوده نیست. بنابراین هر عبارت بازتولید فعال امکانهای معناست زیرا آن نشانه ها را فقط به یک شیوه در ارتباط با یکدیگر قرار می دهد و بنابراین اشکال جایگزین سازماندهی را طرد می کند.

۵. روش شناسی

در این بخش، اصول روش شناسی این مقاله از جمله: نوع روش، تعریف عملیاتی مفاهیم، شیوهی گردآوری داده ها، شیوهی نمونه گیری، شیوه های تجزیه و تحلیل داده ها و معیارهای ارزیابی کیفیت یافته ها و تحقیق، معرفی خواهند شد.

نوع روش: نوع روش این مقاله "تحلیل گفتمان" به عنوان روشی کیفی است.

شیوهی گردآوری داده ها: تحلیل گفتمان طیف گسترده ای از داده های زبانی و غیر زبانی - گفتارها، گزارشها و نهادها، همچنین متون و نوشته ها را تحلیل می کند. تحلیل گفتمان به جای داده های دست دوم بر داده های اولیه و دست اول تأکید دارد. (می یر ۲۰۰۱: ۲۴). در این مقاله روش گردآوری اطلاعات روش اسنادی و کتابخانه ای است که جهت شناخت نوع گفتمان های رایج و تحولات سیاسی و تاریخی مرتبط با گفتمان ها هم از اسناد و داده های اولیه و هم ثانویه استفاده می شود ولی جهت گردآوری اطلاعات لازم و متون

مربوط به گفتمان‌ها، جهت تجزیه و تحلیل آن‌ها از اسناد و داده‌های اولیه مربوط به هر گفتمان استفاده خواهد شد.

برای شناخت گفتمان امام خمینی دو اثر مهم و برجسته از امام خمینی را مورد تحقیق و تفحص، مطالعه و بررسی قرار داده و در آن‌ها به جستجو برای یافتن پاسخ سؤالات و مقوله‌هایی که در روش‌شناسی تحلیل گفتمان ارایه شد پرداخته می‌شود. این دو اثر عبارتند از: ولایت فقیه (حکومت اسلامی) و صحیفه نور.

برای شناخت گفتمان دکتر علی شریعتی یا گفتمان دموکراسی اسلامی (هدایت شده) اساساً بر متونی از دکتر علی شریعتی که تجلی‌گر این گفتمان هستند تکیه شده‌است. از دکتر علی شریعتی متون (نوشتاری و گفتاری) زیر گزینش و بر اساس آن‌ها سعی گردیده که عناصر گفتمان دموکراسی اسلامی (هدایت شده) شناسایی و به سؤالات مطروحه در چهارچوب نظری و روشی پاسخ داده شود. این متون عبارتند از:

۱- مجموعه آثار ۲۰ شریعتی تحت عنوان "چه باید کرد": این مجموعه شامل ۹ بخش اصلی و یک بخش ضمیمه دو قسمتی است.

۲- مجموعه آثار ۲۳ دکتر شریعتی تحت عنوان "جهان بینی و ایدئولوژی": این مجموعه جمعاً از ۸ بخش اصلی و یک بخش ضمیمه تشکیل شده‌است.

۳- مجموعه آثار ۲۶ علی شریعتی تحت عنوان "امام علی": مجموعه حاضر که دربرگیرنده سخنرانی‌ها و آثار دست‌نویس دکتر شریعتی راجع به امام علی می‌باشد از یک مدخل و ۹ بخش اصلی و یک بخش ضمیمه تشکیل شده‌است از این مجموعه مبحث "امت و امامت" برای شناخت گفتمان دموکراسی اسلامی (هدایت شده) انتخاب گردیده‌است. این مبحث ابتدا در ۴ شب متوالی بتاریخ ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ فروردین ماه سال ۱۳۴۸ در حسینیه ارشاد به صورت سخنرانی ارایه می‌شود و پس از آن در کتابی تحت همین عنوان منتشر می‌گردد.

شیوه‌ی نمونه‌گیری: در تحقیقات کیفی از جمله تحلیل گفتمان، منطق نمونه‌گیری اساساً متفاوت از منطق نمونه‌گیری آماری است. منطق نمونه‌گیری در مطالعه‌ی کیفی مستلزم نمونه‌گیری از موارد برجسته و افراد شاخص یا مستلزم نمونه‌گیری نظری یا مبتنی بر هدف است؛ به معنی این که هدف نمونه‌گیری در این جا انتخاب نمونه‌هایی است که با نظریه همخوانی داشته باشند و نظریه را بسط دهند یا مقوله‌های نظری را پرکنند و برای انواع متقابل نمونه‌هایی ارایه شود (ایزنهارت ۱۹۸۹). در این مقاله، پس از مشورت با متخصصین

و محققین در حوزه گفتمان‌های مربوطه در ایران در دوره‌ی مورد نظر، افراد، متون و نمونه‌های برجسته‌ای که توان بازنمایی هر کدام از گفتمان‌ها را دارند به‌عنوان نمونه انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل واقع می‌شوند.

شیوه‌ی تجزیه و تحلیل داده‌ها: روش‌های تجزیه و تحلیل در تحلیل گفتمان در همه‌ی صورت‌های مبتنی بر نظریه است و نظریه‌های مختلف تحلیل گفتمان روش‌های مختلف را برای تجزیه و تحلیل پیشنهاد می‌کنند. روش‌های تجزیه و تحلیل این مقاله عمدتاً مبتنی بر نظریه معنای لاکلاو و موفه است.

بر این اساس گفتمان‌های موجود بر اساس اسناد و مدارک موجود و سایر تحلیل‌های صورت گرفته در نظم گفتمان شناسایی می‌شوند. برای شناسایی گفتمان‌ها باید به تعریف گفتمان و خصوصیات آن توجه نمود. بطور خلاصه، بر اساس نظریه معنای لاکلاو و موفه و فرکلاف برای توصیف نظم گفتمان و گفتمان‌ها، محقق باید به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- گفتمان‌ها به چه جنبه‌هایی از جهان معنا می‌دهند؟ چه معنایی به این جنبه می‌دهد؟
- نقطه یا نقاط کانونی هر گفتمان کدامند؟
- دال برتر هر گفتمان چیست؟
- دال تهی هر گفتمان چیست؟
- دقایق هر گفتمان چیستند و چگونه در اطراف دال برتر یا نقطه‌ی کانونی یا دال تهی مفصل‌بندی می‌شوند؟
- براساس منطق تمایز در هر گفتمان چه خرده‌گفتمان‌هایی یافت می‌شود؟
- اسطوره‌ی هر گفتمان چیست؟ هر گفتمان چه چیزی را نفی می‌کند و چه وضع مطلوب و آرمانی‌ای را پیشنهاد می‌کند؟
- هر گفتمان چه سوژه‌هایی را معرفی و خلق می‌کند؟
- با توجه به منطق هم ارزی و تمایز هر سوژه دارای چه هویتی است و چگونه تعریف می‌شود؟

معیارهای ارزیابی کیفیت: در این مقاله جهت بالا بردن میزان اعتبار و روایی یافته‌های تحقیق سعی شده است نمونه‌های مناسبی انتخاب شوند، از روش تلفیق آن‌گونه که وداک (۲۰۰۱) می‌گوید استفاده شود، نمونه‌ها بر اساس نظریه و نظر متخصصین انتخاب شوند، در روش شناسی و تحقیق انسجام وجود داشته باشد، مراحل مختلف تحقیق به

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان امام خمینی ... (حسینعلی قجری و امیر عظیمی دولت آبادی) ۱۶۱

خوبی روشن شوند، از منابع مختلف استفاده گردد و حتی الامکان تحقیق جامع و شفاف باشد و نویسنده سعی خواهد نمود تا حد ممکن در تحقیق و متون درگیر شود و آن‌ها را با توجه به تکنیک‌های مختلف معناکاوانه فهم و تحلیل کند و همه‌ی جنبه‌های مرتبط با سؤال را مد نظر قرار دهد (جاگر ۲۰۰۱: ۵۲-۵۱؛ سیلورمن ۱۹۹۳: ۵۶؛ می ۲۰۰۱: ۲۹؛ یورگنسن و فیلیپس ۲۰۰۲: ۱۷۳-۱۷۱؛ ادیب حاج باقری و همکاران ۱۳۸۵).

۶. یافته‌های مقاله

در این بخش از مقاله با توجه به چارچوب مفهومی و روش، یافته‌های تحقیق ارائه می‌شوند:

- معرفی مختصر گفتمانها

گفتمان امام خمینی: برای شناخت گفتمان امام خمینی مهم‌ترین و اثرگذارترین اثر ایشان یعنی "ولایت فقیه" به صورت مختصر در حدی که فضای موجود اجازه می‌دهد معرفی می‌شود. این کتاب، در واقع، مهم‌ترین منبع مرجع برای شناخت گفتمان امام خمینی است. شناخت این گفتمان بدون بررسی این کتاب به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست. این کتاب مجموعه‌ای از سیزده جلسه‌ی درس است که امام خمینی در فاصله‌ی ۱۳۴۸/۱۱/۱ تا ۱۳۴۸/۱۱/۲۰ در ایام اقامت در نجف ایراد کردند. این سخنرانی‌ها در همان ایام، گاهی کامل و گاه به صورت یک یا چند درس تکثیر و منتشر می‌شد و در پاییز ۱۳۴۹ پس از ویرایش و تأیید امام در بیروت به چاپ رسید و پنهانی به ایران فرستاده شد و همزمان برای استفاده‌ی مسلمانان انقلابی به کشورهای اروپایی و آمریکا و پاکستان و افغانستان ارسال گردید. این کتاب، قبل از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۶ در ایران با نام "نامه‌ای از امام موسی کاشف‌الغطا" به ضمیمه‌ی "جهاداکبر" چاپ شده است. این کتاب، علی‌رغم ممنوعه بودن از نظر ساواک، به سرعت در میان نیروهای مسلمان و انقلابی، در حوزه‌های علمیه، دانشگاه و سراسر کشور گسترش یافت و به وسیله‌ی آن، گفتمان بنیادگرایی شیعی و ایده‌ی تشکیل حکومت اسلامی براساس ولایت فقیه در جامعه انتشار یافت و در دسترس قرار گرفت.

امام خمینی در کتاب ولایت فقیه با عنایت و تأکید بسیار، اصل ولایت، به‌خصوص ولایت در امر حکومت و جنبه‌های سیاسی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. و در این باب علاوه بر تبیین عوامل سیاسی و اجتماعی که سبب شده است تا این "مهم‌ترین موضوع اسلامی" مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد، ضمن بحث‌های استدلالی بر همان روش متقن فقهی،

به برنامه‌ریزی عملی برای تحقق ولایت فقیه در امر حکومت با طرح کردن راه‌های مشخص و قابل عمل نیز توجه داشته‌اند.

امام، در این درس‌ها، ابتدا به نقشه‌های دشمنان که برای نابودی اسلام به معرض اجرا گذارده شده اشاره می‌کنند و با بیانی مستدل به شبهه‌اتی از قبیل این که اسلام در عصر تمدن و صنعت قادر نیست جامعه را اداره کند و یا این که موازین حقوقی آن برای حل مشکلات جامعه ضعیف و ناتوان است، پاسخ می‌دهد. و در همین رابطه، اشاره می‌کنند که القائنات دشمنان در ایجاد زمینه‌ی لازم برای جدایی دین از سیاست حتی در حوزه‌های علمیه نیز اثر کرده است، به طوری که اگر کسی بخواهد درباره‌ی حکومت اسلامی سخن بگوید، باید تقیه کند. امام خمینی با اشاره به ضعف‌های داخلی و خودباختگی در برابر تمدن جدید که ره‌آورد تبلیغات استعمارگران بوده است، به حوزه‌ها و طلاب جوان و اندیشمندان اسلامی هشدار می‌دهد که با جدیت تمام به وظایف سیاسی و اجتماعی خویش همت گمارند و فریب این نقشه‌ها و شبهه‌ها را نخورند زیرا اسلام با پیشرفت مادی مخالف نیست و مشکلات اجتماعی راه‌حل‌های اعتقادی و اخلاقی می‌خواهد و اسلام دینی است جامع که قادر است تمامی مشکلات را حل کند مشروط به آن که اندیشمندان و علمای اسلامی به تلاش برخیزند.

امام خمینی با بیان این که پیامبر خلیفه تعیین نموده است این سؤال را مطرح می‌کند که آیا تعیین خلیفه برای بیان احکام است؟ بیان احکام که خلیفه نمی‌خواهد. خلیفه برای حکومت است، برای اجرای مقررات و قوانین است. در این جا مهم این است که ما به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی معتقد شویم و در این صورت است که جایگاه خلیفه روشن می‌شود. امام در این کتاب مواردی را به عنوان دلایل ضرورت تشکیل حکومت اسلامی ذکر می‌کند که عبارتند از: ۱- عمل پیامبر در تشکیل حکومت؛ ۲- ضرورت استمرار اجرای احکام الهی که فقط در زمان پیامبر ضرورت ندارد. بلکه برای همیشه است؛ ۳- ماهیت و کیفیت قوانین اسلام که بدون حکومت قابل اجرا نیست. مثل: احکام مالی، دفاع ملی، و احکام حقوقی و جزایی. امام پس از بیان مستدل ضرورت حکومت اسلامی به سابقه‌ی تاریخی انحراف از این اصل که به عصر بنی‌امیه باز می‌گردد و در دوران بنی‌عباس ادامه می‌یابد، اشاره می‌کند. با این بیان که روش آنان در حکومت شیوه‌ی ضداسلامی و به شیوه‌ی نظام شاهنشاهی ایران و امپراطوری رم و فراعنه‌ی مصر بود و در دوران‌های بعد نیز به همان اشکال غیراسلامی ادامه یافت. امام تأکید می‌کند که عقل و شرع بر قیام برای تغییر

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان امام خمینی ... (حسینعلی قجری و امیر عظیمی دولت آبادی) ۱۶۳

این وضع حکم می‌کند پس یک انقلاب سیاسی ضرورت می‌یابد و علاوه بر ضرورت جلوگیری از حکومت طاغوت و لزوم ایجاد زمینه‌ی لازم برای حکومت اسلامی و پیاده شدن احکام اسلام، لزوم وحدت امت اسلامی که بر اثر عوامل گوناگون داخلی و خارجی دچار تفرقه شده و نیز لزوم نجات مردم مظلوم و محروم که از تکالیف الهی مسلمین و به خصوص علما می‌باشد انجام یک انقلاب سیاسی را ضروری می‌سازد. امام در ادامه سپس با ذکر روایتی از فضل بن شاذان در فلسفه‌ی تشریح حکومت، به لزوم تشکیل حکومت از نظر اخبار و روایات می‌پردازد.

قسمتی از کتاب ولایت فقیه به بیان فرق حکومت اسلامی با سایر حکومت‌ها اختصاص یافته‌است و به این نکته اشاره شده است که حکومت اسلامی نوع خاصی از حکومت مشروطه است، یعنی مشروط به قوانین اسلام؛ بدین جهت از نظر امام وظیفه‌ی قوه‌ی مقننه و مجالس قانون‌گذاری در واقع برنامه‌ریزی برای وزارت‌خانه‌های مختلف و تشکیلات حکومت در محدوده‌ی احکام اسلامی است نه قانون‌گذاری مصطلح در سایر حکومت‌ها. امام در ادامه‌ی مباحث به شرایط زمامدار اشاره می‌کند و می‌نویسد: «پس از شرایط عامه مثل عقل و تدبیر دو شرط اساسی وجود دارد که عبارتند از: علم به قانون و عدالت» (خمینی ۱۳۷۳: ۳۷).

ولایت فقیه در عصر غیبت موضوع بعدی کتاب است. امام با تکیه بر مطالب گذشته می‌فرماید: «اکنون که دوران غیبت است و از طرفی بنا است احکام اسلام اجرا شود و از طرف دیگر از طرف خداوند متعال کسی برای اجرای احکام تعیین نشده است، تکلیف چیست؟» (خمینی ۱۳۷۳: ۳۹) ایشان در پاسخ به این سؤال بیان می‌کنند: «خداوند خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب‌(ع) موجود بود برای بعد غیبت هم قرار داده است. این خاصیت که عبارت از علم به عدالت و قانون می‌باشد در عده‌ی بی‌شماری از فقهای عصر ما موجود است، اگر با هم اجتماع کنند می‌توانند حکومت عدل عمومی در عالم تشکیل دهند» بعد به این امر اشاره می‌کنند تمام اختیاراتی که پیامبر و ائمه برای اداره‌ی جامعه داشتند برای فقیه جامع‌الشرایط نیز ثابت است و این ولایت «فی حد ذاته شأن و مقامی نیست بلکه وسیله‌ی انجام وظیفه‌ی اجرای احکام الهی است» (خمینی ۱۳۷۳: ۳۹)

امام پس از این مباحث به هدف‌های عالی حکومت و خصال لازم برای حاکم اشاره می‌کند و با ذکر اخبار و استدلال بر آن‌ها به اثبات فقیه در معنای تصدی حکومت می‌پردازد.

بخش پایانی کتاب به ضرورت برنامه‌ریزی مبارزه‌ی طولانی برای رسیدن به این هدف الهی اختصاص یافته است امام در این قسمت ابتدا به مسئله تبلیغات و تعلیمات و اهمیت و ضرورت آن‌ها برای ایجاد حکومت اسلامی اشاره می‌کند. لزوم پرداختن به امور آموزشی و تبلیغاتی، اصلاح حوزه‌ها، از بین بردن آثار فکری و اخلاقی استعمار، اصلاح مقدس‌نماها، تصفیه‌ی حوزه‌ها و طرد آخوندهای درباری و اقدام‌های عملی برای براندازی حکومت‌های جائز از جمله مسایلی است که در قسمت پایانی کتاب مطرح شده‌اند.

گفتمان دکتر علی شریعتی: این گفتمان ماحصل تلاقی گفتمان‌های متعددی چون سوسیالیسم، گفتمان علمی (جامعه‌شناسی) و تفسیری انقلابی و رادیکال از اسلام است. شریعتی با بیان سخنرانی‌ها و نوشتن متون متعددی سعی دارد با شعار بازگشت به اسلام اصیل یا علوی، اسلام سنتی و صفوی را با کمک نظریه‌ی مارکسیسم و سایر نظریه‌های جامعه‌شناسی به چالش بکشد و تفسیری انقلابی و مبارز از اسلام ارایه دهد. گفتمان شریعتی در نقطه‌ی تلاقی تاریخ و نقدی و اساسانه Deconstructive (نسبت به قرائت‌های متحجر و سنتی از اسلام و تجددگرا) در هیبت و صورت یک طرح هندسی و ایدئولوژی انقلابی متبلور شد. چنین نقدی نه در یک جست و جوی ساده ساختارهای صوری، بلکه، در سپهر پژوهش و کنکاشی تاریخی که از ورای رویدادهایی که به شکل‌گیری و بازشناسی ایرانیان به عنوان فاعل آنچه انجام می‌دادند، آنچه بدان می‌اندیشیدند، و آنچه به زیور سخن مزینش می‌کردند، تجلی کرده و آنان را در بوته‌ی آزمایش واقعیت و فعلیت قرار داد، تا بتوانند نقاطی را دریابند که در آن‌ها تغییر، هم ممکن است، هم مطلوب.

اگرچه قرائت و اساسانه شریعتی، در بنیادی‌ترین سویه‌ی آن متوجه کلیت اسلام متحجر و شیعه صفوی بود، لکن بی‌تردید گفتمان وی افقی فراسوی این عرصه می‌گشاید و شالوده‌شکنی مناسبات استعلایی غرب با شرق (اسلامی) را نیز در دستور کار خود قرار می‌دهد. شریعتی هم تفسیر محتجرانه از اسلام و هم تقلید کورکوانه از غرب و مسخ هویت خودی را شالوده شکنی می‌کند.

دگرگونی‌های جامعه‌ی ایرانی دهه ۵۰ و ۶۰ نشان داد که گفتمان ایدئولوژیک شریعتی، نسبت به سایر گفتمان‌های روشنفکری از استعداد بس افزون‌تر و شگرف‌تری برای تعریف و بازتعریف و نیز تثبیت مفاهیم و دال‌های شناور برخوردار است و دقیقاً به همین سبب نهایتاً آن تسابق عظیم روشنفکری را بر سر تسخیر این مفاهیم به نفع خود رقم زد، و بعد

مذهبی - ایدئولوژیک را در حیات سیاسی جامعه، به گونه‌ای وارد کرد که این حیات سیاسی همچون گذشته مانعی در برابر مذهب نباشد، بلکه مأوا و محرک آن گردد. شریعتی در فرآیند معماری گفتمان خود، رویکردی برون‌گفتمانی داشت و در بهره‌جستن از نظم و نثر و آموزه‌های غربیان برای بیان اندیشه‌ی خود پرهیزی نداشت. همچنین در آثار وی، نشان بارزی از گفتمان‌های روشنفکری - ایدئولوژیک دو سده‌ی اخیر مشاهده می‌شود. شریعتی نه تحجر را می‌پسندید و نه در تجدد شأنیت و منزلتی را جست‌وجو می‌کرد.

گفتمان شریعتی گفتمانی بیناگفتمانی و بینامتنی نیز هست. گویی که گفتمان وی در جغرافیای مشترک میان معرفت‌ها و گفتمان‌ها تقریر شده است. در نمانده‌ی اندیشه او هم مارکس سکنی گزیده و هم ماکس وبر. هم دورکهایم و هم سارتر، هم ماسینون و هم هایدگر، هم لیبرالیسم و هم سوسیالیسم، هم بودا و هم کنفوسیوس، هم گوروچ و هم توین‌بی. لکن گفتمان شریعتی، نه یک اختلاط منفعل و یا تقلیل صرف بود، بلکه، در بستر گفتمان وی، مفاهیم از قاعده‌ی همنشینی و جانشینی آگاهانه و گزینشی پیروی می‌کردند؛ دال‌ها به مدلول‌های خاصی دلالت می‌دادند؛ بستر گفتمانی اصالت خود را در برابر هجوم مفاهیم بدیع از دست نمی‌داد؛ حک و ثبت هویت‌های معرفتی و زبان‌شناختی جدید، موجب فراق و جدایی گفتمان وی از نظام صدقی ناشی از مذهب نمی‌گشت؛ بازگشت به خویشتن، وی را از دیگران غافل نمی‌کرد؛ بازگشت به مذهب، او را به ارتجاع رهنمون نمی‌شد؛ و بازسازی مذهب او را از واسازی آن مستغنی نمی‌کرد.

- این گفتمان‌ها به چه ابعادی از جهان معنا می‌دهند؟ و چه معنایی به این ابعاد می‌دهند؟

گفتمان امام خمینی: در پاسخ به این سؤال باید گفت که این گفتمان سعی دارد به تمام ابعاد دنیوی و اخروی معنا بدهد. این گفتمان به هر چهار بعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این جهان ما معنا می‌بخشد. امام خمینی نماینده برجسته این گفتمان مکرر در کتاب ولایت فقیه اظهار می‌دارد: اسلام دین جامعی است و برای تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی از جمله سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارای برنامه است و صرفاً «احکام حیض و نفاس» نیست (خمینی، ۱۳۷۶: ۵-۴). امام همچنین به کرات در سخنرانی‌های خود اسلام را دین کامل می‌داند که به همه‌ی ابعاد زندگی و جهان معنا می‌بخشد.

بعد اقتصادی: بطور کلی امام اقتصاد مورد نظرش را اقتصادی مبتنی بر قوانین اسلامی می‌داند که از اقتصاد سرمایه‌داری جداست و اقتصادی سالم، مستقل و ملی است (خمینی ۱۳۷۶).

بعد فرهنگی: یکی از مهمترین ابعادی که امام خمینی معناها موجود در خصوص آن را نفی می‌نماید و سعی دارد به آن معنایی جدید ببخشد بعد فرهنگی است. امام در کتاب ولایت فقیه و بیانات و سخنرانی‌های خود بکرات از واژه فرهنگ یاد می‌نماید ایشان بیشتر فرهنگ دوران پهلوی را نقد و آن را یک فرهنگ وابسته، استعماری، خراب، فاسد، غیراسلامی و غیر مترقی و ارتجاعی می‌داند و فرهنگ مورد نظر خود را فرهنگی اسلامی، مستقل و مترقی معرفی می‌کند (صحیفه نور، ج ۴: ۴۵۶).

بعد سیاسی و اجتماعی: امام در گفتار خود بیشتر سعی دارند تا بعد سیاسی و اجتماعی اسلام را که از نظر ایشان مغفول مانده پر رنگ کند. بنظر امام اسلام کاملاً سیاسی است و سیاست و اسلام با همدیگر آمیخته‌اند. امام معتقد است با توجه به ماهیت احکام اسلام باید حکومت اسلامی ایجاد شود و به همین دلیل کتاب ولایت فقیه را به نگارش در می‌آورد و بیشتر بیانات ایشان درباره سیاست و اسلامی بودن سیاست است. امام خمینی در کتاب حکومت اسلامی و بیاناتشان بکرات نوع سیاست خود را سیاستی مبتنی بر قواعد و موازین اسلامی معرفی می‌نماید که البته امام از این موازین و احکام تفسیر خاص خود را ارائه می‌دهد و حکومت اسلامی را از آن‌ها استخراج می‌نماید (خمینی ۱۳۷۶ و صحیفه نور، ج ۶-۱: ۲۶۷، ۹۱، ۳۸، ۶۳، ۳۷) و ج ۵: ۳۱، ۵۱، ۵۲).

گفتمان دکتر علی شریعتی: این گفتمان با توجه به این که گفتمانی مذهبی (شیعی) است هم به جهان مادی (این دنیا) و هم به مرگ و جهان آخرت معنا می‌بخشد. در جهان دنیوی این گفتمان سعی دارد بر تفسیر خاصی از اسلام شیعی (تشیع علوی) در مقابل تفسیر سنتی از شیعه (تشیع صفوی) معنی خاصی به هر چهار بعد اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اعطا کند. در باره ضرورت شناخت اسلام و این که روح فرهنگ ایران، روحی اسلامی است و هر گفتمانی که می‌خواهد توفیق یابد باید مبتنی بر اسلام باشد. شریعتی سعی دارد گفتمان خود را همانطور که به روشنفکران توصیه می‌کند بر مذهب تشیع مبتنی سازد و به همه ابعاد جامعه رنگ و بوی مذهب تشیع را اعطا کند و مفاهیم و ابعاد جهان را بر اساس این مذهب معنا ببخشد و تفسیر نماید. اما تفسیری که شریعتی از مذهب دارد متفاوت با تفسیر سنتی از مذهب است او با یاری مکاتب مختلف جامعه‌شناسی از جمله

مارکسیسم و با شعار بازگشت به خویشتن، بازگشت به قرآن، آنگونه که علی می‌فهمید و بازگشت به تشیع علوی، تفسیری انقلابی، رادیکال و مبارز از اسلام تشیع ارایه می‌دهد و اسلام را علاوه بر این که دینی فرهنگی است، دینی سیاسی و اجتماعی و حتی اقتصادی معرفی می‌کند. در نظر شریعتی تشیع مذهب خون، شمشیر و جهاد مستمر است نه مذهب تسلیم و سکون. بر اساس این تفسیر خاص از اسلام است که شریعتی سعی دارد ابعاد مختلف جهان را معنا ببخشد. لذا در این گفتمان همه ابعاد جهان بر اساس تشیع علوی داری معنای متفاوتی از تشیع صفوی و سنتی می‌شوند. به طور خلاصه، ابعاد جهان در نزد شریعتی به اختصار دارای معنای زیر می‌باشند:

فرهنگ: گفتمان شریعتی بیشتر صبغه فرهنگی دارد و با الهام از و بر فرهنگ را پدیده‌ای مهم و تأثیر گذار می‌داند. بنظر شریعتی مهمترین راه مبارزه، مبارزه فرهنگی است و شیوه تسلط استعمار بر شرق را هم بیشتر از راه فرهنگ و تهی کردن فرهنگ شرق می‌داند. در نظر شریعتی براساس تفسیری که از تشیع ارایه می‌دهد فرهنگ هم پدیده‌ای پویا، زندگی ساز و قدرت بخش است که روح آن عدالت و برابری است.

اقتصاد: در گفتمان دموکراسی اسلامی اقتصاد هم معنای متفاوتی از گفتمان سلطنت اسلامی و اسلامی سنتی می‌یابد. در نزد این گفتمان اسلام دینی است که دنیایش اقتصادی است و بر پایه نان و آخرتش بر پایه دنیا استوار است. اسلام دینی است که بر پایه عدالت و برابری و رفع تضاد طبقاتی و مبارزه با سرمایه‌داری و استثمار مبتنی است و مسلمان باید در بهبود وضعیت اقتصادی خود تلاش نماید و از فقر بر حذر باشد.

اجتماع: اجتماع در نظر شریعتی زیر دارای رنگ و بوی مذهبی است و معنایی مذهبی می‌یابد. شریعتی با الهام از مارکسیسم و تلفیق آن با تشیع بنیاد جامعه را بر تضاد می‌داند و بر اساس اصول مذهب تشیع، اجتماع و جامعه اسلامی را امت می‌نامد.

سیاست: از نظر شریعتی و بر اساس تفسیری که از تشیع ارایه می‌دهد اسلام اساساً دینی است سیاسی و جدایی دین از سیاست در اسلام معنا و مفهومی ندارد و در واقع تز جدایی دین از سیاست جز تلقینات استثمار و استحمار با کمک روحانیون و شبه روشنفکران برای تبدیل تشیع به دین جمود و سکوت برای بهره‌برداری از مردم بوده‌است. شریعتی با استناد به سیره پیامبر و ائمه سیاست و حکومت را جز ذات اسلام، بالأخص تشیع معرفی می‌نماید. به عبارت دیگر در نزد شریعتی سیاست هم دارای معنای شیعی (تشیع علوی) می‌شود و بر

اساس این برداشت از سیاست است که شریعتی نظام مطلوب سیاسی برای ایران را دموکراسی اسلامی (هدایت شده) معرفی می‌نماید.

- نقطه یا نقاط کانونی این گفتمان‌ها چیست؟

گفتمان امام خمینی: با توجه به متون گفتاری و نوشتاری امام خمینی می‌بینیم واژه‌ای که از بیشترین فراوانی برخوردار است و هر دال دیگر در ارتباط و ارجاع به آن معنای خود را می‌یابد و تمام دال‌های دیگر با صفت این واژه متصف می‌گردند "اسلام" است. در این گفتمان برای تعریف همه دال‌ها می‌توانیم به آنها "صفت اسلامی" بیفزاییم همان‌کاری که امام در متون نوشتاری و گفتاری خویش انجام می‌دهد و به برخی از آن‌ها در بالا اشاره گردید. در این گفتمان ما می‌بینیم که تمام دال‌ها به صفت اسلامی متصف می‌شوند. بعنوان نمونه: حکومت اسلامی، عدالت اسلامی، فرهنگ اسلامی، اقتصاد اسلام، جامعه اسلامی، دانشگاه اسلامی، مدرسه اسلامی، ایران اسلامی، جامعه اسلامی و... (← خمینی، ۱۳۷۶).

گفتمان دکتر علی شریعتی: نقطه کانونی این گفتمان اسلام (تشیع علوی) است. این دال مرکز ثقل و هسته گفتمان دموکراسی اسلامی را شکل می‌دهد و همه دال‌های دیگر معنای خود را از این دال کانونی دریافت می‌کنند و به آن متصف می‌شود و این واژه علاوه بر این که در سرفصل‌های متون این گفتمان قرار دارد به وفور در متون آن نیز یافت می‌شود.

- دال برتر این گفتمانها چیست؟

امام خمینی: آن دالی که در گفتمان امام خمینی دال برتر یا دال کانونی هویت است و در پاسخ به کیستی افراد ارایه می‌شود دال "مسلمان" است. هر ایرانی در گفتمان امام خمینی یک مسلمان است و برای تعریف خود، خویش را یک مسلمان می‌داند. در این گفتمان در پاسخ به این سؤال که شما کیستید؟ جواب داده می‌شود که ما "مسلمانیم" یعنی هم در تعریف هویت فردی و هم هویت جمعی این گفتمان هر فرد را یک مسلمان و جامعه را هم جامعه "مسلمانان" تعریف می‌کند. امام خمینی مردم ایران را مردمی مسلمان می‌داند که علاقه‌مند به اسلام و احکام و قواعد آن هستند و چون مسلمان هستند خود را جز جامعه اسلامی جهانی (مسلمانان جهان) می‌دانند و به همین دلیل است که ندای وحدت اسلامی را در گفتمان خود سر می‌دهد و بجای وحدت ایرانی‌ها از وحدت مسلمان‌ها صحبت می‌نماید (صحیفه نور، ج ۴: ۳۱۷، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۷، ۳۴۲؛ جلد ۶: ۱۰۷، خمینی ۱۳۷۶: ۳، ۶، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۱۳۲۱۴۱، و ج ۶، ص: ۹ و...).

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان امام خمینی ... (حسینعلی قجری و امیر عظیمی دولت آبادی) ۱۶۹

گفتمان دکتر علی شریعتی: دال برتر همان گونه که گفته شد دال کانونی است که بیانگر هویت جامعه و افراد آن است. در گفتمان دموکراسی اسلام دال برتر " شیعه " است در این گفتمان مردم و حامیان گفتمان خود را به عنوان یک فرد شیعه می‌شناسند و گفتمان مزبور نیز از مردم و جامعه تحت عنوان شیعه یاد می‌نماید.

- دال(دال‌های) تهی این گفتمانها چیست؟

گفتمان امام خمینی: براساس آنچه در مبانی نظری بیان شد،

با بررسی متون امام(نوشتاری و گفتاری) دال تهی مرکزی در گفتمان سلطنت "اسلام" (فرهنگ اسلامی، اقتصاد اسلامی، سیاست اسلامی، حکومت اسلامی، است و دال‌های مهم تهی دیگر عبارتند از: استقلال، آزادی، قانون و عدالت (صحیفه نور ج: ۱: ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۳، ۲۳۰، ۲۲۸).

امام در نوشتارها و گفتارهای خود مدام بر دال‌های تهی در گفتمان سلطنت و حکومت پهلوی تأکید می‌ورزد و سعی دارد آن‌ها را برای مردم آشکار کند. امام با تأکید بر دال‌های تهی است که سعی دارد نواقص حکومت پهلوی و خلأهای موجود در آن را نشان دهد و این گفتمان را از اعتبار و مشروعیت اندکی هم که دارد محروم نماید.

گفتمان دکتر علی شریعتی: مهمترین دال تهی در این گفتمان " اسلام اصیل و راستین " یا تشیع علوی است. این گفتمان به کرات از وجود اسلام مسخ شده و نبود اسلام راستین و اصیل شکوه دارد و خواهان بازگشت به اسلام اصیل راستین و واقعی است. اسلام اصیل و راستین در گفتمان همان تشیع علوی است و همان اسلامی است که علی(ع) منادی آن بوده است نه اسلامی که ابوسفیان و صفویه منادی آن بوده‌اند. دال‌های تهی دیگر در این گفتمان عبارتند از: هویت و استقلال (شریعتی ۱۳۶۱: ۲۱۴ و ۱۳۹۸: ۳۰۴-۳۰۵)

- دقایق این گفتمانها چیستند؟

گفتمان امام خمینی: بر اساس تعریف لاکلاو موفه عناصری هستند که معنایشان در درون گفتمان و توسط مفصل بندی گفتمان تثبیت شده است. در نتیجه دال‌هایی که در درون گفتمان معنایشان تثبیت می‌شود و در درون همان گفتمان خاص بر سر معنای آن‌ها اختلافی وجود نداشته باشد "دقایق" آن گفتمان می‌باشند. مهمترین دقایق گفتمان امام خمینی عبارتند از: آزادی(خمینی ۱۳۷۶: ۴، ۲۷، ۱۲۶؛ صحیفه نور، ج ۱: ۱۱۸، ۲۸۶ و ج ۳: ۳۰، ۵۰۸، ۵۲۰) و اجتهاد(خمینی ۱۳۷۶: ۵۱)، امامت(خمینی ۱۳۷۶: ۵۷)، انتخابات(صحیفه نور، ج ۱: ۱۴۵)، انقلاب(خمینی ۱۳۷۶: ۲۵؛ صحیفه نور)، ایمان(خمینی ۱۳۷۶؛ صحیفه نور،

ج ۲: ۲۳ و ج ۳: ۳۹۲)، ترقی و پیشرفت (خمینی ۱۳۷۶؛ صحیفه نور، ج ۱: ۲۷۱، ۳۱)، تکلیف و وظیفه (خمینی ۱۳۷۶: ۶، ۳۹، ۵۷، ۸۰، ۸۴، ۱۰۷، ۱۳۴؛ صحیفه نور، ج ۲: ۳۲، ۳۰۶)، تقلید (خمینی ۱۳۷۶: ۳۸)، تهذیب (خمینی ۱۳۷۶؛ صحیفه نور، ج ۲: ۱۴، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۹۵، ۳۱۷، ۳۳۴، ۳۹۰، ۳۹۰ و ج ۶: ۲۸۶)، جمهوری (خمینی ۱۳۷۶: ۳۳، ۳۴، ۸۳؛ صحیفه نور، ج ۴: ۲۶۳، ۲۷۹، ۴۹۳، ۴۹۶، ۵۱۲)، حکومت و دولت (خمینی ۱۳۷۶: ۳۳، ۳۴، ۸۳، ۴۲، ۶، ۹۲، ۱۱۵؛ صحیفه نور، ج ۲: ۳۰، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۷۲)، سنت و سیره (خمینی ۱۳۷۶: ۱۸، ۲۱، ۳۳، ۳۷، ۴۸، ۴۴، ۵۱، ۹۶، ۹۹، ۱۱۸)، سیاست (خمینی ۱۳۷۶: ۴، ۵، ۶، ۱۶، ۲۰، ۱۲۶)، روحانیت (خمینی ۱۳۷۶: ۱۱۴، ۸۲، ۸۱، ۸۳، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۳۶، ۱۲۵-۱۳، شهادت (خمینی ۱۳۷۶؛ صحیفه نور، ج ۳: ۲۳۳)، قانون (خمینی ۱۳۷۶: ۴، ۱۳، ۱۸، ۳۹، ۷۵، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵)، وحدت و اتحاد (خمینی ۱۳۷۶؛ صحیفه نور، ج ۱: ۳۵۳، ۴۰۷ و ج ۲: ۱۴، ۳۲، ۳۵)، ولایت (خمینی ۱۳۷۶: ۱۴، ۱۵، ۴۰، ۴۳، ۴۶، ۶۲، ۹۱، ۷۲-۸۵، ۹۳، ۹۴؛ صحیفه نور، ج ۱: ۳۰۶)، ولایت فقیه و حکومت اسلامی (خمینی ۱۳۷۶: ۳، ۴۰، ۴۱، ۴۴، ۴۸، ۵۴، ۵۸، ۸۵، ۸۹، ۹۳، ۹۵، ۱۱۲، ۹). (۹).

گفتمان دکتر علی شریعتی: دقایق این گفتمان همه معنای خود را از تشیع علوی و تفسیری خاص و انقلابی و رادیکالی که از اسلام در این گفتمان ارایه شده است اخذ می نمایند. مهمترین دقایق این گفتمان عبارتند از: امامت، عدل، رهبری، توحید، جهاد، فلاح، شهادت، تقلید، تقیه، آزادی، اجتهاد، ارتجاع، استبداد، استثمار، استعمار، استضعاف، استعباد، استعمار، استقلال، اصالت، امپریالیسم، انحطاط، انقلاب، مبارزه، ایثار، ایدئولوژی، ایمان، بازگشت به خویش، برابری، برادری، بیگانگی با خود، تجدد، تضاد، دیالکتیک، حقیقت، خودآگاهی، خود، دموکراسی، طبقه، وحدت، هویت، غیبت، انتظار، جبر تاریخی (مجموعه آثار).

- اسطوره‌ی این گفتمانها چیست؟ این گفتمان چه چیزی را نفی می کند و چه وضع مطلوب و آرمانی‌ای (چه نوع حکومتی) را پیشنهاد می کند؟

گفتمان امام خمینی: این گفتمان وضع موجود، نظام سلطنتی، جدایی دین از سیاست و حکومت و غیرسیاسی بودن حوزه‌ها و روحانیون را به شدت نفی می نماید. در نظر این گفتمان نظام سلطنتی، نظامی ارتجاعی، غیرشرعی غیر قانونی، ظالم و مستبد است و باید از بین برود و به جای آن "حکومت اسلامی" یا "حکومت ولایت فقیه" و "جمهوری اسلامی" را به عنوان یک وضعیت سیاسی جایگزین و مطلوب پیشنهاد می کند. امام در کتاب

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان امام خمینی ... (حسینعلی قجری و امیر عظیمی دولت آبادی) ۱۷۱

ولایت فقیه ابتدا آنچه را که به‌عنوان اسلام معرفی می‌شود و اسلام را غیر سیاسی و غیر حکومتی می‌داند نفی می‌نماید (خمینی ۱۳۷۶: ۵). او بیان می‌کند «استعمارگران دشمنان ما هستند و آن‌ها به ما تلقین کردند که اسلام حکومت و تشکیلات حکومتی ندارد» (همان: ۱۴). در دنباله امام حکومت سلطنتی و حکومت‌های شرقی و غربی را رد می‌نماید. پس از نفی حکومت‌ها و تفاسیر موجود از اسلام و نفی غیرسیاسی بودن اسلام امام به ضرورت حکومت اسلامی و چگونگی و شرایط آن می‌پردازد.

دلایل لزوم تشکیل حکومت اسلامی از نظر امام عبارتند از: «لزوم مؤسسات اجرایی»، «سنت و رویه رسول اکرم»، «ضرورت استمرار اجرای احکام اسلام»، «رویه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)»، «ماهیت و کیفیت قوانین اسلام» از جمله: «احکام مالی»، «احکام دفاع ملی»، «احکام احقاق حقوق و احکام جزایی» (همان: ۲۵-۱۷). امام، علاوه بر این دلایل عقلی، دلایل نقلی، روایات و اخبار متعددی را در ضرورت تشکیل حکومت اسلامی ذکر می‌نمایند.

بنظر امام «حکومت اسلامی هیچ‌یک از انواع طرز حکومت‌های موجود نیست. مثلاً استبدادی نیست، که رییس دولت مستبد و خودرأی باشد؛ مال و جان مردم را به بازی بگیرد و در آن به دل‌خواه دخل و تصرف کند؛ هر کس را اراده‌اش تعلق گرفت بکشد، و هر کس را خواست انعام کند، و به هر کس خواست تیول بدهد و املاک و اموال مردم را به این و آن ببخشد» (۳۳-۳۲). ایشان حکومت اسلامی را نه استبدادی و مطلقه بلکه مشروطه نه به معنای رایج آن بلکه مشروط به احکام قرآن و خدا و سنت پیامبر می‌داند. امام بیان می‌کند:

فرق اساسی حکومت اسلامی با حکومت‌های مشروطه سلطنتی و جمهوری در این است که نمایندگان مردم، یا شاه، در این‌گونه رژیم‌ها به قانون‌گذاری می‌پردازند، در صورتی که قوه مقننه و اختیار تشریع در اسلام به خداوند متعال تخصیص یافته است. در اسلام به جای مجلس قانون‌گذاری، مجلس برنامه‌ریزی وجود دارد که برای وزارتخانه‌های مختلف در پرتوی احکام اسلام برنامه ترتیب می‌دهد. (همان ۳۴-۳۳).

دکتر علی شریعتی: این گفتمان اسطوره‌های موجود (مادی و مذهبی) را رد و دموکراسی اسلامی (هدایت شده) را به‌عنوان اسطوره و حکومت سیاسی مطلوب برای جامعه ایران معرفی می‌نماید. شریعتی گفتمان‌ها را به دو نوع کلی مادی و مذهبی تقسیم‌بندی می‌نماید (شریعتی ۱۳۶۱: ۷). شریعتی سپس تمام گفتمان‌های غیر مذهبی و مادی از جمله

دیکتاتوری، سلطنتی، مشروطه، سوسیالیسم، لیبرالیسم، دموکراسی و ... را نفی و گفتمان مذهبی سستی (ارتجاعی) را نیز نفی می‌نماید. (شریعتی ۱۳۶۱: ۷). شریعتی پس از نفی گفتمان‌هایی که دارای ابتدای مادی هستند گفتمان مذهبی سستی را که تشیع صفوی را نماد آن می‌داند نیز نفی می‌نماید. (همان ۷۵). شریعتی پس از نفی گفتمان‌های مادی و مذهبی سستی از مذهب ایدئولوژیک که جنبه آگاهانه دارد و روزآمد است دفاع می‌کند. (همان ۷۸). شریعتی در طرد گفتمان‌های دیگر لبه تیز حملات خود را هم متوجه حاملین گفتمان‌های غیر مذهبی و گفتمان مذهبی سستی نماید. (همان ۲۵۸). شریعتی با اعتقاد به این که اسلام به دست استعمار و استحمار مسخ شده است خواهان بازگشت به اسلام اصیل و بازگشت به خویشن است. او در راه بازگشت به اسلام بحث رنسانس اسلامی را مطرح می‌کند و جهت استقرار اسلام اصیل و یافتن خویشن مسخ شده خویش دموکراسی هدایت شده را در مقابل دموکراسی غربی، سلطنت مشروطه، سلطنت استبدادی، سوسیالیسم و یا هر نوع حکومت دیگر حکومت ایده‌آل و مناسب برای ایران می‌داند. (شریعتی ۱۳۶۸: ۳۸۵-۳۸۴).

در کتاب امت و امامت است که شریعتی اسطوره سیاسی مورد نظر خود را به شکلی منسجم مطرح می‌کند. شریعتی در این کتاب به تعریف امت و امامت و نقش و وظایف پیامبر و امام می‌پردازد و با نفی نظام‌های سیاسی موجود و تمایز بین دو نوع دموکراسی آزاد و دموکراسی متعهد یا هدایت شده، دموکراسی آزاد را نفی و از دموکراسی هدایت شده دفاع می‌نماید. او دموکراسی هدایت شده را این گونه معرفی می‌نماید (شریعتی ۱۳۷۵: ۶۱۸) پس از این، او حکومت اسلامی را یک دموکراسی متعهد معرفی می‌کند که در آن یک رهبر یا گروهی متعهد جهت هدایت مردم به سمت کمال و رساندن آن‌ها به اهداف غایی حکومت را به دست می‌گیرند و مردم وظیفه دارند از چنین رهبری اطاعت کنند هر چند در مسیر این اطاعت مصایب و رنج‌هایی را متحمل شوند (شریعتی ۱۳۷۵: ۶۱۹).

این گفتمان بدون این که فردی را به عنوان یک رهبر متعهد معرفی کند مردم را به دنبال یافتن رهبری مذهبی که از آن‌ها آگاه‌تر و داناتر باشد جهت بیرون بردن آن‌ها از این وضعیت سکون و رکود و جمود و استقرار دموکراسی هدایت شده رهنمون می‌شود. این گفتمان و اسطوره آن - هر چند که سعی دارد روشنفکران را به جای روحانیت بنشانند - در نظریه و عمل گفتمانی است که منجر به تقویت و گسترش گفتمان امام خمینی و اقبال مردم

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان امام خمینی ... (حسینعلی قجری و امیر عظیمی دولت آبادی) ۱۷۳

به امام‌خمينی به عنوان یک رهبر متعهد و روحانیت سیاسی به عنوان حاملین مذهب انقلابی و سیاسی می‌شود.

- این گفتمانها چه سوژه‌هایی را معرفی و خلق می‌کند؟

گفتمان امام خمینی. مهمترین سوژه‌های گفتمان امام خمینی عبارتند از: آخوندسیاسی، آخونددرباری، آخوندغیرسیاسی، آمریکا، ابرقدرت، اجنبی، ارباب، اروپا، استاد، استکبار، استعمار، استبداد، امام، انگلیس، بازاری، پادشاه، پهلوی، روس‌ها، روشنفکر، شهید، ضعیف، طاغوت، طلبه، ظالم، عرب، عالم، غربزده، غرب، غیرمسلمان، شرق، فلسطین، ولی فقیه، قدرتمند، کارگر، کافر، کمونیست و مارکسیست، لیبرال، مالک، مجتهد، محروم، مستضعف، مسلمان، مظلوم، ملت، ملی‌گرا، مؤمن، نماینده مجلس، یهودی (خمینی ۱۳۷۶ و صحیفه نور، ج ۶-۱).

دکتر علی شریعتی: مهترن سوژه‌های گفتمان دکتر علی شریعتی عبارتند از: روشنفکر، امام و رهبر، امت، منافق، مؤمن، شاه، بورژوا، پرولتاریا، محروم، مستضعف، مستکبر، روحانی روشنفکر، روحانی، غرب، شرق، روشنفکر، شبه روشنفکر، کارگر، محروم، خدا، پیامبر و جهادگر.

- با توجه به منطق هم ارزی و تمایز هر سوژه دارای چه هویتی (مثبت یا منفی) است یا چگونه بازنمایی می‌شود (مثبت یا منفی)؟

گفتمان امام خمینی: سوژه‌های مثبت در گفتمان امام خمینی عبارتند از: آخوندسیاسی، استاد، امام، بازاری، شهید، ضعیف، طلبه، عرب، عالم، شرق، فلسطین، ولی فقیه، کارگر، مجتهد، محروم، مستضعف، ملت، مظلوم، مسلمان (خمینی ۱۳۷۶ و صحیفه نور، ج ۶-۱). سوژه‌های منفی در این گفتمان عبارتند از: آخونددرباری، آخوندغیرسیاسی، آمریکا، ابرقدرت، اجنبی، ارباب، اروپا، استکبار، استعمار، انگلیس، پادشاه، پهلوی، روس‌ها، روشنفکر، طاغوت، ظالم، غربزده، غرب، غیرمسلمان، قدرتمند، کافر، کمونیست و مارکسیست، لیبرال، مالک، ملی‌گرا، مؤمن، نماینده مجلس، یهودی (به جدول شماره ۲ نگاه کنید) (خمینی ۱۳۷۶ و صحیفه نور، ج ۶-۱).

دکتر علی شریعت: سوژه‌های مثبت این گفتمان عبارتند از: روشنفکر، امام و رهبر، امت، مؤمن، پرولتاریا، محروم، مستضعف، روشنفکر، روحانی روشنفکر، کارگر، محروم، خدا، پیامبر و جهادگر. سوژه‌های منفی این گفتمان عبارتند از: منافق، شاه، بورژوا، پرولتاریا، مستکبر، روحانی، غرب، شرق، شبه روشنفکر.

- موقعیت‌های سوژه‌ای این گفتمانها چیستند؟

گفتمان امام خمینی: مهمترین و عمده‌ترین موقعیت‌های سوژه‌ای گفتمان امام خمینی عبارتند از: رهبری (ولی فقیه)، فقیه و روحانی، مردم، مرجع تقلید و مقلد. در این گفتمان به موقعیت‌های سوژه‌ای مقلد و مردم و مجتهد و روحانی موقعیت‌های سوژه‌ای فرعی‌ای هم اختصاص داده می‌شود. به عبارت دیگر بر اساس این گفتمان موقعیت‌های سوژه‌ای مردم و مقلد و مجتهد و روحانی در درون خود به موقعیت‌های سوژه‌ای فرعی دیگری تقسیم می‌گردند که این موقعیت‌ها نیز سلسله مراتبی هستند. علاوه بر این، این گفتمان، موقعیت‌های سوژه‌ای دیگری را هم به موقعیت‌های فوق اضافه می‌کند و در ارتباط با آنها به موقعیت‌های سوژه‌ای پیشین جایگاهی سلسله مراتبی می‌بخشد. این موقعیت‌های سوژه‌ای عبارتند از: خداوند، پیامبر، امام (بنگرید: خمینی ۱۳۷۶ و صحیفه نور، ج ۶-۱). در گفتمان دکتر علی شریعتی مهمترین موقعیت‌های سوژه‌ای عبارتند از: خدایی، پیامبری، امامت (رهبری)، روشنفکری و پیرو (مجموعه آثار).

۷. نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف پاسخ به سوال "بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان شباهتها و تفاوت‌های گفتمان امام خمینی و دکتر علی شریعتی چیست؟" به نگارش درآمده است. چهارچوب مفهومی این مقاله نظریه معنای لاکلاو و موفه است و با رویکرد تحلیل گفتمان سعی نموده است به سوال اصلی مقاله پاسخ دهد. برای شناخت گفتمان امام خمینی دو اثر مهم و برجسته مربوط به ایشان مورد بررسی قرار گرفت تا به سؤاها و مقوله‌هایی که در روش‌شناسی تحلیل گفتمان ارایه شده است، پاسخ داده شود. این دو اثر عبارتند از: ولایت فقیه (حکومت اسلامی) و مجموعه صحیفه نور.

برای شناخت گفتمان دکتر علی شریعتی یا گفتمان دموکراسی اسلامی (هدایت شده) اساساً بر متونی از دکتر علی شریعتی که تجلی‌گر این گفتمان هستند تکیه شده است. از آثار دکتر علی شریعتی: مجموعه آثار شریعتی بویژه "چه باید کرد؟"، "جهان بینی و ایدئولوژی" و "امام علی" مورد تحلیل واقع شدند.

نتایج تحقیق نشان داد که در ابعاد معناد دهی به جهان: گفتمان امام خمینی به هر چهار بعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این جهان ما معنا می‌بخشد. گفتمان دکتر علی شریعتی، با توجه به این که گفتمانی مذهبی (شیعی) است همه به جهان مادی (این دنیا) و

هم به مرگ و جهان آخرت معنا می‌بخشد. در بعد جهان دنیوی این گفتمان سعی دارد بر تفسیر خاصی از اسلام شیعی (تشیع علوی) در مقابل تفسیر سنتی از شیعه (تشیع صفوی) معنی خاصی به هر چهار بعد اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اعطا کند.

دال کانونی: با توجه به متون گفتاری و نوشتاری امام خمینی ملاحظه نمودیم که واژه‌ای که از بیشترین فراوانی برخوردار است و هر دال دیگر در ارتباط و ارجاع به آن معنای خود را می‌یابد و تمام دال‌های دیگر با صفت این واژه متصف می‌گردند "اسلام" است. دال کانونی گفتمان شریعتی اسلام (تشیع علوی) است.

دال برتر (هویت): آن دالی که در گفتمان امام خمینی دال برتر یا دال کانونی هویت است و در پاسخ به کیستی افراد ارایه می‌شود دال "مسلمان" است. هر ایرانی در گفتمان امام خمینی یک مسلمان است و برای تعریف خود، خویش را یک مسلمان می‌داند. در گفتمان دکتر شریعتی دال برتر "شیعه" است.

دال تهی: بررسی متون امام (نوشتاری و گفتاری) نشان داد که دال تهی مرکزی در گفتمان سلطنت "اسلام" (فرهنگ اسلامی، اقتصاد اسلامی، سیاست اسلامی، حکومت اسلامی) است و دال‌های مهم تهی دیگر عبارتند از: استقلال، آزادی، قانون و عدالت. در گفتمان دکتر علی شریعتی: مهمترین دال تهی "اسلام اصیل و راستین" یا تشیع علوی است.

دقایق گفتمانی: دقایق گفتمان امام خمینی عبارتند از: آزادی، اجتهاد، امامت، انتخابات، ایمان، ترقی و پیشرفت، تکلیف و وظیفه، تقلید، تهذیب، جمهوری، حکومت و دولت، سنت و سیره، سیاست، روحانیت، شهادت، عدالت، قانون، وحدت و اتحاد، ولایت، ولایت فقیه و حکومت اسلامی. دقایق گفتمانی دکتر شریعتی عبارتند از: امامت، عدل، رهبری، توحید، جهاد، فلاح، شهادت، تقلید، تقیه، آزادی، اجتهاد، ارتجاع، استبداد، استثمار، استحمار، استضعاف، استعباد، استعمار، استقلال، اصالت، امپریالیسم، انحطاط، انقلاب، مبارزه، ایثار، ایدئولوژی، ایمان، بازگشت به خویش، برابری، برادری، بیگانگی با خود، تجدد، تضاد، دیالکتیک، حقیقت، خودآگاهی، خود، دموکراسی، طبقه، وحدت، هویت، غیبت، انتظار و جبر تاریخی.

اسطوره: امام خمینی وضع موجود، نظام سلطنتی، جدایی دین از سیاست و حکومت و غیرسیاسی بودن حوزه‌ها و روحانیون را به شدت نفی می‌نماید و پس از نفی حکومت‌ها و تفاسیر موجود از اسلام و نفی غیرسیاسی بودن اسلام به ضرورت حکومت اسلامی و

چگونگی و شرایط آن می‌پردازد. دکتر علی شریعتی، اسطوره‌های سیاسی موجود (مادی و مذهبی) را رد و دموکراسی اسلامی (هدایت شده) را به عنوان اسطوره سیاسی و حکومت سیاسی مطلوب برای جامعه ایران معرفی می‌نماید.

سوژه‌ها: مهمترین سوژه‌های گفتمان امام خمینی عبارتند از: آخوندسیاسی، آخوند درباری، آخوند غیر سیاسی، آمریکا، ابرقدرت، اجنبی، ارباب، اروپا، استاد، استکبار، استعمار، استبداد، امام، انگلیس، بازاری، پادشاه، پهلوی، روس‌ها، روشنفکر، شهید، ضعیف، طاغوت، طلبه، ظالم، عرب، عالم، غربزده، غرب، غیرمسلمان، شرق، فلسطین، ولی فقیه، قدرتمند، کارگر، کافر، کمونیست و مارکسیست، لیبرال، مالک، مجتهد، محروم، مستضعف، مسلمان، مظلوم، ملت، ملی‌گرا، مؤمن، نماینده مجلس، یهود. مهمترین سوژه‌های گفتمان دکتر علی شریعتی عبارتند از: روشنفکر، امام و رهبر، امت، منافق، مؤمن، شاه، بورژوا، پرولتاریا، محروم، مستضعف، مستکبر، روحانی روشنفکر، روحانی، غرب، شرق، روشنفکر، شبه روشنفکر، کارگر، محروم، خدا، پیامبر و جهادگر.

سوژه‌های مثبت و منفی با توجه به منطق هم‌ارزی و تمایز: سوژه‌های مثبت در گفتمان امام خمینی عبارتند از: آخوندسیاسی، استاد، امام، بازاری، شهید، ضعیف، طلبه، عرب، عالم، شرق، فلسطین، ولی فقیه، کارگر، مجتهد، محروم، مستضعف، ملت، مظلوم، مسلمان. سوژه‌های منفی در این گفتمان عبارتند از: آخوند درباری، آخوند غیرسیاسی، آمریکا، ابرقدرت، اجنبی، ارباب، اروپا، استکبار، استعمار، استبداد، انگلیس، پادشاه، پهلوی، روس‌ها، روشنفکر، طاغوت، ظالم، غربزده، غرب، غیرمسلمان، قدرتمند، کافر، کمونیست و مارکسیست، لیبرال، مالک، ملی‌گرا، مؤمن، نماینده مجلس و یهودی. سوژه‌های مثبت گفتمان دکتر شریعتی عبارتند از: روشنفکر، امام و رهبر، امت، مؤمن، پرولتاریا، محروم، مستضعف، روشنفکر، روحانی روشنفکر، کارگر، محروم، خدا، پیامبر و جهادگر. سوژه‌های منفی این گفتمان عبارتند از منافق، شاه، بورژوا، پرولتاریا، مستکبر، روحانی، غرب، شرق و شبه روشنفکر.

موقعیت‌های سوژه‌ای: مهمترین و عمده‌ترین موقعیت‌های سوژه‌ای گفتمان امام خمینی عبارتند از: خدا، نبوت، امامت، رهبری (ولی فقیه)، مرجع تقلید، فقیه و روحانی، مقلد و مردم و در گفتمان دکتر علی شریعتی مهمترین موقعیت‌های سوژه‌ای عبارتند از: خدایی، پیامبری، امامت (رهبری)، روشنفکری و پیرو.

کتاب‌نامه

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۸). *ایران بین دو انقلاب (درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی معاصر)*، ترجمه‌ی احمدگل محمدی، تهران، نشر نی.
- ادیب حاج باقری (۱۳۸۵). محسن و همکاران، *روش‌های تحقیق کیفی*، تهران، نشر بشری.
- آرون، ریمون، *مراحل اساسی سیراندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی باقرپرهام، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۴.
- آفاگل زاده، فردوس (۱۳۸۳). «روش‌شناسی تحقیق در تحلیل انتقادی گفتمان»، مجموعه مقالات کنفرانس زبان‌شناسی ایران، صص ۱-۱۰.
- آفاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸). *جامعه‌مدنی و توسعه‌ی سیاسی در ایران (گفتارهایی در جامعه‌شناسی سیاسی)*، تهران، مؤسسه نشر علوم نوین.
- بتون، تد و کرایب، یان (۱۳۸۴). *فلسفه‌ی علوم اجتماعی: بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی*، ترجمه‌ی شهناز مسمی پرست و محمود متحد، تهران، آگاه.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۸). *فرامدرنیسم و تحلیل گفتمان و قدرت / معرفت: بحثی در چهره‌های جدید قدرت*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷). «غیریت و هویت شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران»، فصلنامه‌ی متین، پژوهشکده‌ی امام خمینی و انقلاب اسلامی، شماره‌ی اول، ۸۳-۱۰۵.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۲). «گفتمان، سیاست و اجتماع»، فصلنامه‌ی سیاسی - اجتماعی گفتمان، شماره‌ی ۵۱-۶۶.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). *گفتمان و تحلیل گفتمانی*، تهران، فرهنگ گفتمان.
- خرم‌شاد، محمدباقر (۱۳۷۷). «فوکو و انقلاب اسلامی ایران: معنویت‌گرایی در سیاست»، فصلنامه‌ی متین، پژوهشکده‌ی امام خمینی و انقلاب اسلامی، شماره‌ی اول، زمستان، ۲۰۹-۲۲۴.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۳). *ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱-۷۲). *صحیفه‌ی نور*، جلد ۶-۱، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- دکم‌جیان، هرایر (۱۳۷۷). *جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب*، ترجمه‌ی حمید احمدی، تهران، سازمان انتشارات کیهان.
- روا، الیویه (۱۳۷۸). *تجربه‌ی اسلام سیاسی*، ترجمه‌ی حسین مطیعی امین و محسن مدیر شانه‌چی، تهران، انتشارات بین‌المللی هدی.
- سعید، بابی (۱۳۷۹). *هراس بنیادین (اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی)*، ترجمه‌ی غلامرضا جمشیدیها و موسی عنبری، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ.

- شریعتی، علی (۱۳۶۸). مجموعه‌ی آثار ۲۰ (چه باید کرد؟) تهران، انتشارات قلم.
- شریعتی، علی (۱۳۶۱). مجموعه‌ی آثار ۲۳ (جهان‌بینی و ایدئولوژی)، چاپ نخست.
- شریعتی، علی (۱۳۷۵). مجموعه‌ی آثار ۲۶ (امام علی)، نشرآمون، چاپ هفتم.
- شریعتی، علی (۱۳۶۹). مجموعه‌ی آثار ۷ (شیعه)، چاپ سوم، انتشارات الهام، ۱۳۶۹.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۵). تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان، تهران، سمت.
- ضیمران، محمد (۱۳۷۸). میشل فوکو: دانش و قدرت، تهران، هرمس.
- طبری، احسان، اسکندری ایرج، کیانوری نورالدین و دیگران (۱۳۵۵). درباره‌ی حزب (نکاتی چند درباره‌ی تحول حزب به مثابه‌ی حزب طراز نوین طبقه‌ی کارگر)، تهران، حزب توده.
- طبری، احسان (۱۳۴۸). برخی بررسی‌ها در باره جهان‌بینی‌ها و جنبش‌های اجتماعی در ایران، بی‌جا، بی‌نا.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان، شایسته پیران... [و دیگران] ویراستاران محمد نبوی، مهران مهاجر، تهران، وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فوران، جان (۱۳۷۷). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران، انتشارات رسا.
- فوکو، میشل (۱۳۷۸). مراقبت و تنبیه (تولد زندان)، ترجمه‌ی نیکو سرخوش و افشین جهان‌پسیده، نشرنی، تهران.
- فوکو، میشل (۱۳۷۸). نظم گفتار، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران، آگاه.
- قجری، حسینعلی (الف) (۱۳۸۷). تحلیل گفتمان تکوین بنیادگرایی شیعی و هژمونیک شدن آن، رساله دکتری، رشته جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما عیضا شجاعی زند، الف ۱۳۸۷.
- قجری، حسینعلی (ب) (۱۳۸۷). قابلیت‌های تحلیل گفتمان در بررسی پدیده‌های فرهنگی - اندیشه‌ای (با تأکید بر گفتمان هژمونیک شده در انقلاب اسلامی)، پژوهشنامه متین، شماره ۴۰، ۹۰-۶۳.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). اقتصاد، جامعه و فرهنگ، عصر اطلاعات و ظهور جامعه شبکه‌ای (۳جلدی)، ترجمه‌ی احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نو.
- کدیور، جمیله (۱۳۷۸). تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران، تهران، انتشارات طرح نو.
- کیانوری، نورالدین (۱۳۶۱). حزب توده‌ی ایران و مسایل میهن انقلابی (مجموعه‌ی مقالات، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها ۱۳۶۰-۱۳۵۷)، تهران، حزب توده.
- گیدنز، آنتونی (۲۸ بهمن ۱۳۸۲). «اصول‌گرایی دینی: احیای اسلامی»، ترجمه هادی نیلی، نشریه‌ی شرق.
- لاکلاو، ارنستو (۱۳۷۷). «گفتمان»، ترجمه‌ی حسینعلی نوذری، فصلنامه سیاسی - اجتماعی گفتمان، شماره‌ی صفر، ۳۹ تا ۵۴.

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان امام خمینی ... (حسینعلی قجری و امیر عظیمی دولت آبادی) ۱۷۹

معدل، منصور (۱۳۷۶). *نظریه‌های انقلاب کوششی برای تطبیق با انقلاب اسلامی*، فصلنامه‌ی متین، شماره‌ی اول، ۳۱۹-۳۵۵

مک دائل، دایان (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*، ترجمه‌ی حسین علی نوذری، تهران، فرهنگ گفتمان.

نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱). *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران (از کودتا تا انقلاب)*، دوجلدی، تهران، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا.

نجم آبادی، افسانه (۱۳۷۶). «بازگشت از مدرنیسم به نظم اخلاقی»، ترجمه‌ی عباس کشاورز شکری، فصلنامه‌ی متین، شماره‌ی ۱، ۳۵۹-۳۸۱.

نش، کیت (۱۳۸۰). *جهانی شدن سیاسی معاصر: سیاست و قدرت*، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، کویر.

Fairclough, Norman (1992), *Discourse and Social Change*, Polity Press, London.

Fairclough, Norman (1995), *Media Discourse*, Hodder Arnold, London.

Fairclough, Norman (2001), *Critical Discourse analysis as A Method in Social Scientific Research*, in Wodak, Ruth & Meyer, Micheal (2001), *Methods of Critical Discourse Analysis*, SAGE Publications, London, Thousand, New Dehli, First Published PP: 121- 139

Howarth, David, Howarth, David and Stavrakakis, Yannis (2000), *Introgucing Discourse Theory and Political Analysis*, in Norval, Aletta J and Stavrakakis, Yannis (ed), *Discourse Theory and Political Analysis (Identities, Hegemonies and Social Change)*, Manchester University Press, First Published, Manchester and New York, pp: 1-25

Jorgensen Marianne and Louise Phillips (2002), *Discourse Analysis As Theory and Method*, SAGE Publications, London, Thousand Oaks New Dehli, First Published.

Keddie, Nikki (1981). R. Religion, *Society and Revolution in Modern Iran*, Modern Iran: the Dialectics of Continuity and Change, edited by M. E. Bonine and N.R. Keddie. State University of New York Press, New York

Meyer, M (2001), *Between theory, Method and Politics: Positioning of The Approaches to CDA*, In Ruth Wodak and Michael Meyer (ed.), *Methods of Critical Discourse Analysis*, london, Sage PP: 14 -31.

Meyer, M, Wodak, Ruth (2001), *Methods of Critical Discourse Analysis*, London, Sage.

Norval, Aletta J (2000), *Trajectories of Future Discourse Theory*, in Howarth, David, Norval, Aletta J and Stavrakakis, Yannis (ed) (2000), *Discourse Theory and Political Analysis (Identities, Hegemonies and Social Change)*, Manchester University Press, First Published, Manchester and New York, PP: 219-236.

Potter, J (1996a), *Discourse analysis*, in A. Cuper (ed.), *Encyclopedia of the social Sciences*, London, Routledge, pp. 188-9.

Potter, J (1996b), *Discourse analysis and constructionist approaches: Theoretical background*, in J.E. Richardson (ed.), *Handbook of qualitative Research Methods for Psychology and the Social Sciences*. Leicester: British Psychological Society.

- Sachedina, A Abdulaziz, (1993), *Activist Shi ism in Iran, Iraq and Lebanon*, in Marty. E. Martin and Appleby. R. Scott (eds)(1993), *The Fundamentalism Project*, The University of Chicago Press. Chicago and London, First Published, Vol,1, 403- 405
- Tehraninan, Majid(1993), *Islamic Fundamentalism in Iran and the Discourse of Development*, in Marty. E. Martin and Appleby. R. Scott (eds)(1993), *The Fundamentalism Project*, The University of Chicago Press. Chicago and London, First Published, , PP, 341-373.
- Toolan, Michael (2002), ed, *Critical Discourse Analysis* , 4volume, Routhledge, London and New York, First Published.
- Turner, Brayan S.(2001), *Cosmopolitan Virtue: on Religion in A Global Age*, in *European Journal of Theory*, 4(2): 131-152
- Van Dijk, Teun(2002a), *Principal of Critial Discourse Analysis*, in Michael Toolan, ed, *Critical Discourse Analysis*, volume2, Routhledge , London and New York, First Published , PP . 104 – 143 .
- Wodak, Routh (1987), *And Where is Lebanon, A Socio – Pshycholinguistic Investigation of Comprehention and Intelligibility of News*. Text, Vol. 7, no. 4, PP: 337 – 410 .
- Wodak, Ruth, (2001), *The Discourse-Historical Approach*, in Wodak, Ruth & Meyer, Micheal, *Methods of Critical Discourse Analysis*, SAGE Publicatins, London, Thousand, New Dehli, First Published, PP: 63- 94.
- Zubaida, Sami(1993), *The Quest for the Islamic State: Islamic Fundamentalism in Egypt and Iran*, IN Marty . E.Martin and Appleby. R. Scott (eds)(1993), *The Fundamentalism Project*, The University of Chicago